

بررسی تفسیری آیه «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»

محمدجواد اسکندارلو*

چکیده

یکی از مهم‌ترین مباحث قرآنی، کشف تناسب حقیقی و معنوی میان عبارات هر آیه از قرآن کریم است. برخی چنین تناسبی را میان صدر و ذیل آیه سوم سوره نساء «... فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ ...» انکار نموده‌اند و از این رهگذر شبهه تحریف به کاستی را مطرح ساخته‌اند. به سخن دیگر از آنجا که نتوانسته‌اند میان عبارات این آیه، نظم و پیوند معنوی برقرار کنند چاره‌ای جز ادعای وقوع تحریف در اینجا نیافته‌اند. در این مقاله، به این شبهه بر اساس تفاسیر قرآنی و منابع اسلامی پاسخ داده شده و در نتیجه حکمت الهی و تناسب و انسجام معنوی و منطقی در آیه مربوطه به اثبات رسیده است.

واژگان کلیدی

آیه ۳ نساء، آیه نکاح، تناسب، مصونیت از تحریف.

mj_eskandarlo@miu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱

*. استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۵

طرح مسئله

در بحث «مصونیت قرآن از تحریف» این نکته مهم به اثبات رسیده است که هرگونه تبدیل و تغییر در نظم و جمله‌بندی کلمات قرآن موجب می‌شود که صورت قرآن تبدیل یافته و به تبدیل‌دهنده منتسب باشد و از صورت وحی بودن خارج شود. از این رو، نسبت دادن چنین کلام تبدیل‌یافته‌ای، به تبدیل‌دهنده اولویت دارد تا به سخن الهی.

همچنین کم نمودن از قرآن موجب می‌گردد تا نظم اولی کلام از بین برود این امر به‌طور قطع در سبک و اسلوب بلاغی کلام مؤثر است و نظم نوین (نقص یافته) نمی‌تواند همان سبک و اسلوب بلاغی اول را داشته باشد. از این رو، نباید گفت که نظم نوین همان نظم الهی و وحی است.

سخت‌ترین گفته‌ها در این زمینه گفته کسانی است که گمان برده‌اند از میانه آیه سوم از سوره نساء «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْلِي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...»، بیش از ثلث قرآن اسقاط شده؛ یعنی بیش از دو هزار آیه افتاده است. از همین رو نظم آیه به هم ریخته و آشفتگی در آن نمودار شده است.

در این مقاله به شبهه مذکور پاسخ داده می‌شود. از آن رو که داوری بسیاری از مردم درباره جهان اسلام به نقش زنان مربوط می‌شود و امروزه شبهات درخصوص مسائل زنان از اثرگذارترین شبهات است، ضرورت تعمق در این گونه مسائل و ارزیابی و نقد آنها انکارناپذیر می‌نماید.

خداوند حیات اجتماعی را برای انسان فراهم کرد و برای این حیات تعالیم و دستوره‌های فراوانی مقرر فرمود؛ آن گونه که بی‌تردید نسبت اجتماعات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵) نقش زنان در این حیات اجتماعی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است؛ زیرا «صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و [یا] می‌تواند به عکس آن باشد». (همو، ۱۳۷۲: ۱۶ / ۱۹۲)

زن و مرد از طرف خدا رسالت، و در پیشگاه او مسئولیت دارند و قرار است با ایجاد مودت و رحمت در میان همدیگر، با هم به سوی روحانی شدن سیر داشته باشند. چه بسا زنان در این روحانی شدن موفق‌تر از مردان بوده‌اند؛ چراکه زن‌ها در بخش دل و قلب و گرایش و جذب قوی‌تر از مردان‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۹۲)

باوجود این حقایق، دگراندیشان و جاهلان به معارف اسلام و قرآن، با طرح شبهاتی مرموز، شخصیت والای زن مسلمان را مخدوش جلوه داده‌اند. از این روی، پژوهش در عرصه مذکور امری ضروری است.

تحلیل شبهه مذکور

سید جزایری می‌نویسد: «روایات مستفیض، بلکه متواتر دلالت دارند که قرآن دستخوش تحریف گردیده است.» (جزایری، بی‌تا: ۶۶) اولین و عمده‌ترین روایتی که وی مورد استناد قرار می‌دهد، روایت فاقد سندی است که در کتاب *احتجاج* آمده است: از امیرمؤمنان علیه السلام سؤال شد که تناسب میان صدر و ذیل این آیه چیست؟ «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النَّسَاءِ مُنْتَهَىٰ وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ...» و اگر می‌ترسید که دادگری را در [مورد ازدواج دختران] یتیم رعایت نکنید، پس آنچه از زنان، دل‌خواهتان است، دو دو و [یا] سه سه و [یا] چهار چهار، به زنی بگیرید.» حضرت فرمود: بیش از یک‌سوم قرآن از این آیه افتاده است. (جزایری، بی‌تا: ۷۰ - ۶۸)

نقد و بررسی

۱. کتاب *احتجاج* منسوب به طبرسی، بسیاری از روایاتش فاقد سند است؛ یعنی به صورت مرسل ذکر شده است.

۲. مؤلف این کتاب تاکنون ناشناخته است و مشخص نیست کدام طبرسی مراد است؛ زیرا طبرسی (معرب تفرشی) کسی است که از اهل تفرش باشد. اما اینکه کدام یک از تفرشیان این کتاب را نوشته، معلوم نیست. برخی گمان برده‌اند که صاحب *مجمع البیان* یا فرزند یا نوه اوست، ولی مگر می‌شود که منسوب بودن به یک شهرستان - که افراد آن از شمارش بیرون است - موجب شود تا آنان را یکی بدانیم؟ (معرفت، ۱۴۱۳: ۲۰۲)

۳. محتوای روایت مشوش و قابل پذیرش نیست؛ زیرا اسقاط بیش از یک‌سوم قرآن (بیش از دو هزار آیه) را از وسط یک آیه افاده می‌کند. چگونه ممکن است که تصور کنیم دو هزار آیه در متن یک آیه جای داشته است؟!

به سخن دیگر، محتوای روایت نیز با ادله مصونیت قرآن از تحریف، ناسازگار است؛ زیرا کلام پروردگار به زبان مخاطبان اولیه قرآن نازل گردیده و از همین رو لازم است به لحاظ قواعد دستوری و زبانی نیز پیرو زبان مخاطبان خود باشد، وگرنه خلاف حکمت الهی خواهد بود. بنابراین همان‌گونه که علامه طباطبایی اشاره نموده (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴ / ۱۷۷)، آیه سوم سوره نساء از اتصال لفظی و

محتوایی کاملی نسبت به آیات قبل و بعد از خود برخوردار است و امکان ندارد که با وجود افاده معنای کامل برای مخاطبان خود، فاقد ثلث کلام الهی در میان الفاظ و معانی خود باشد. به علاوه، وزن و آهنگ آیات قرآن به گونه‌ای است که اگر نقص یا زیادتی در بین الفاظ آن صورت گیرد، در وزن و آهنگ آن اختلال و بی‌نظمی نمایان می‌شود و چنین مطلبی با اعجاز قرآن، سازگار نیست. قرآن کریم در آیات متعددی اعجاز خود را مطرح کرده و تحدی به مثل آن نموده است: «قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (اسراء / ۸۸)

تحدی قرآن که بیانگر اعجاز آن است، ادعای هرگونه تحریف را در قرآن موجود منتفی می‌داند. از این رو، اگر ثلث قرآن از آیه مذکور کاسته شده باشد، دیگر این سخن، سخن الهی نخواهد بود و قرآن فصاحت و بلاغت خود را از دست می‌دهد؛ حال آنکه اعجاز قرآن همواره ثابت بوده و هرگونه تحریف، به نوعی نظم و اسلوب ویژه و بلاغت قرآن را مختل می‌سازد و اعجاز بلاغی و لفظی آن را ساقط می‌کند. چگونه ممکن است کلامی که نسل به نسل و سینه به سینه در تمام زمان‌ها و مکان‌ها با پشتوانه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر / ۹) از دستبرد و تحریف مصون مانده، با خبر واحدی که در دیگر منابع روایی شیعه نیامده است، مورد خدشه و تغییر قرار گیرد؟

۴. تناسب میان صدر و ذیل آیه (با مراجعه به شأن نزول و اقوال مفسران) روشن است؛ زیرا مسلمانان در صدر اسلام که همواره در جنگ با کفار و مشرکان بودند و همچنین سربازان شهید که بیشتر جوان بودند، از خود همسران بیوه و فرزندان خردسال و اموالی باقی می‌گذارند. پیامبر اکرم ﷺ سرپرستی ایتم و اموال آنان را به افراد متعهد واگذار می‌کرد. اینان بیم آن داشتند که مبادا تصرف ناروایی در آن اموال بشود و درباره رعایت حال ایتم کوتاه آیند. از این رو یکی از راه‌های چاره‌سازی، ازدواج با همسران شهیدان بود که در آن صورت، اموال بازمانده حالت اشتراک در مصرف پیدا می‌کرد و رضایت صاحبان مال خودبه‌خود جلب می‌گردید.

یکی از اسباب جواز تعدد زوجات همین امر است که یک ضرورت اجتماعی است. بدین ترتیب، هم فرزندان خردسال شهیدان تحت حمایت و عنایت بیشتری قرار می‌گیرند؛ هم شبهه تصرف در اموال یتیمان مرتفع می‌گردد و هم جلوی فسادهایی گرفته می‌شود که ممکن است از بی‌شوهر ماندن بیوه‌های جوان پیش آید. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴ / ۱۷۷)

شأن نزول

قبل از اسلام معمول بود که بسیاری از مردم حجاز سرپرستی دختران یتیم را بر عهده می‌گرفتند و

سپس با آنها ازواج، و اموال آنها را نیز تملک می‌کردند، و چون همه کار به دست آنها بود، حتی مهریه آنها را کمتر از معمول قرار می‌دادند و چون کمترین ناراحتی از آنها پیدا می‌کردند، به آسانی آنها را رها می‌ساختند. در این هنگام آیه فوق نازل شد و به سرپرستان ایتم دستور داد در صورتی با دختران یتیم ازدواج کنند که عدالت را به‌طور کامل درباره آنها رعایت نمایند. در غیر این صورت از آنها چشم‌پوشی کرده، همسران خود را از زنان دیگر انتخاب نمایند. (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۲۰)

دیدگاه بسیاری از مفسران، مفاد مذکور را تأیید می‌نمایند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

الف) تفسیر المیزان

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور شش قول را نقل نموده و سپس نظریه اول را ترجیح داده است:

۱. در مورد ایتم پرهیز کار باشید و اموال ناپاک خود را به اموال پاک آنان تبدیل مکنید و اموال آنها را به ضمیمه اموال خودتان مخورید. حتی اگر می‌توانید عدالت ورزید و مایل هم نیستید که آنها را به نکاح خود درآورید، آنان را واگذارید و از زنان دیگری که شما را خوش آید، یکی و دو تا و سه تا و چهارتا بگیرید.

۲. در آن زمان تعداد زنان برخی از مردم حتی از چهار و پنج نیز تجاوز می‌کرد. این کثرت ازدواج صرفاً از سر چشم و هم‌چشمی بود. پس از آنکه این افراد اموال خود را در این راه از دست می‌دادند، به اموال یتیمانی که تحت سرپرستی آنها بود، تجاوز می‌کردند. به همین دلیل خداوند دستور داد که بیش از چهار زن نگیرند. این دستور از آن جهت بوده است که محتاج نشوند و دست ظلم به سوی اموال یتیمان دراز نکنند.

۳. مردم آن روز نسبت به امور ایتم مراقبت جدی داشتند، ولی نسبت به زنان، عدالت را رعایت نمی‌نمودند و زنان زیادی را نکاح می‌کردند. از این رو خداوند چنین فرمود: اگر درمورد یتیمان در هراسید و در نتیجه مراقبت جدی می‌نمایید، لازم است که درمورد زنان نیز این خوف را از دست ندهید و برای اینکه موفق به رعایت عدالت شوید، بیش از چهار زن نگیرید.

۴. مردم آن روز از تصرف در اموال ایتم و ولایت بر آنها به‌شدت خودداری می‌کردند. از این رو، خداوند چنین فرمود: همان‌گونه که شما از این امر خودداری می‌کنید، لازم است که از گناه زنا نیز خودداری کنید و در عوض با زنانی که مورد پسند شماست، ازدواج نمایید.

۵. اگر می‌ترسید درمورد یتیمانی که در کنار شما و تحت تربیت شما هستند، موفق به رعایت

عدالت نشوید، آنچه را که خوش دارید، از ایتم خویشاوند خود که بر شما حلال اند، یکی، دوتا، سه تا و یا چهارتا، به نکاح خود درآورید.

۶. شما که امر سرپرستی ایتم را امر بزرگی دانسته، از آن خودداری می‌کنید، لازم است که از جمع بین زنان و عدم عدالت با آنان نیز خودداری کنید و به آن اندازه زن بگیرید تا از جور و ستم ایمن باشید. اینها معانی مختلفی بود که در ذیل این آیه ذکر شده، ولی روشن است که هیچ یک از این معانی، منطبق بر الفاظ آیه نیست، جز همان معنای اول که بیان کردیم. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴ / ۱۶۶)

ب) تفسیر مجمع البیان

علامه طبرسی نیز شبیه این اقوال شش‌گانه را در تفسیر نفیس مجمع البیان نقل نموده است. البته وی در میان این اقوال، دیدگاه شخصی خود را بیان نکرده است. (طبرسی، ۱۳۵۴: ۲ / ۶ - ۵)

ج) تفسیر تسنیم

آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: برخی گمان کرده‌اند که نزدیک یک‌سوم قرآن کنونی، یعنی ده جزء از آیه مورد بحث حذف شده است. اینها به روایات ضعیف استشهاد کرده‌اند؛ زیرا شرط و جزای آیه را فاقد تناسب پنداشته و گفته‌اند که جمله «وَإِنْ حُفَّتُمْ أَلَّا تُفْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ» مربوط به آیه گذشته، و سفارشی درباره رعایت اموال ایتم است؛ در نتیجه با «فَأَلْبِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» که درباره ازدواج است، ارتباطی ندارد؛ زیرا ترس از اجرای عدالت در مورد اموال ایتم، با مسئله ازدواج با زنان دیگر مرتبط نیست. از این رو، اینان به تحریف قرآن به نقیصه معتقد شدند؛ در حالی که شرط و جزای آیه کاملاً تناسب دارند.

در این آیات درباره یتیمان دو مسئله به صورت جداگانه مطرح شده است:

۱. مسئله مالی آنها که در آیات ۲، ۶، ۹ و ۱۰ آمده است.

۲. مسئله تشکیل خانواده و ازدواج با یتیمان که محور آیه مورد بحث است. خداوند در آیه گذشته که ناظر به مسائل مالی یتیمان است، با تعبیری تند مردم را از تصرف ظالمانه در اموال ایتم نهی می‌کند و در آیه مورد بحث که درباره ازدواج با یتیمان است می‌فرماید: اگر در اجرای عدالت در مورد دختران یتیم بی‌مناک هستید، از ازدواج با آنان چشم‌پوشی، و با زنان دیگر ازدواج کنید. شاهد این مطلب که شرط و جزا در آیه مورد بحث، هر دو ناظر به مسئله ازدواج یتیمان‌اند (نه مسئله مالی آنان)، این آیه است: «وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ ...» (نساء / ۱۲۷)

مسلمانان از رسول خدا ﷺ درباره زنان و دختران یتیم می‌پرسند که آیا می‌توانند با آنان ازدواج کنند؟ قرآن کریم در پاسخ آنان می‌گوید که زن و شوهر حقوق مالی و اخلاقی متقابلی (مانند مهریه مناسب، نفقه، اطاعت و معاشرت نیکو) دارند. در صورت ازدواج با دختران یتیم باید این حقوق رعایت شود. این آیه به خوبی نشان می‌دهد که موضوع آیه مورد ازدواج با دختران یتیم است، نه اموال آنان؛ زیرا «فی الیتامی» در آیه مورد بحث همان «فی الیتیمی النساء» در آیه یادشده است. با این بیان، تناسب شرط و جزا در این آیه مشخص بوده و ادعای تحریف قرآن بی‌اساس است. (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۷ / ۲۵۰)

د) تفسیر نمونه

به دنبال دستوری که در آیه دوم سوره نساء برای حفظ اموال یتیمان صادر شد، در آیه بعدی به یکی دیگر از حقوق آنها اشاره می‌شود: «اگر می‌ترسید که به هنگام ازدواج با دختران یتیم حق و عدالت را درباره حقوق زوجیت و اموال آنان رعایت ننمایید، از ازدواج با آنها چشم‌پوشید و به سراغ زنان دیگر بروید».

درباره این سؤال که چرا آغاز این آیه درباره یتیمان و پایان آن درباره ازدواج است و این دو با هم سازگار نیست این پاسخ داده می‌شود که زیرا صدر و ذیل آیه هر دو درباره ازدواج است، ولی در آغاز آیه می‌گوید: اگر نمی‌توانید ازدواج با یتیمان را با اصول عدالت بیامیزید، چه بهتر که از آن صرف‌نظر کنید و به سراغ زنان غیر یتیم بروید. گرچه مفسران در این زمینه سخن بسیار گفته‌اند، آنچه از خود آیه به دست می‌آید، آن است که خطاب در آیه متوجه سرپرستان ایتم است که در آیه قبل برای حفظ اموال یتیمان دستورهای گوناگونی به آنها داده شده بود و در این آیه درباره ازدواج با یتیمان سخن می‌گوید که همان‌گونه که باید درباره اموال آنها مراعات عدالت را بنمایید، در مورد ازدواج با دختران یتیم نیز باید با نهایت دقت مصلحت آنها را رعایت کنید. در غیر این صورت از ازدواج با آنها چشم‌پوشید و زنان دیگری انتخاب کنید. از جمله شواهدی که تفسیر فوق را درباره آیه روشن می‌سازد، آیه ۱۲۷ از همین سوره است که در آن آشکارا درباره ازدواج با دختران یتیم مسئله رعایت عدالت ذکر شده است:

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى
النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ
الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ ...

اما روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده^۱ که میان اول و آخر این آیه مقدار زیادی از قرآن حذف شده، به هیچ‌رو از نظر سند اعتبار ندارد. بیان این‌گونه احادیث که بر تحریف یا اسقاط قسمت‌هایی از قرآن دلالت می‌کند، از دو حال خارج نیست: یا اینها جعلیات دشمنان اسلام برای بی‌اعتبار جلوه دادن قرآن است، یا اینکه برخی چون نتوانسته‌اند ارتباط آغاز و انجام آیه را درک کنند، چنین پنداشته‌اند که در اینجا حذف یا اسقاطی در کار بوده و به همین دلیل به تدریج آن را به شکل روایتی ترویج داده‌اند. اما با تفسیری که ذکر گردید، ارتباط و پیوند صدر و ذیل آیه روشن و مبرهن شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۳ / ۲۸۷ - ۲۸۶)

ه) تفسیر مفاتیح الغیب (الکبیر)

عبارت «وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ» شرط است و جمله «فَأَكْبِرُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» جزای آن می‌باشد. مفسران درباره تناسب میان این شرط و جزا، چهار وجه بیان کرده‌اند که قول چهارم برحق است: ۱. از عروه روایت شده که می‌گوید: از عایشه پرسیدم که معنای این سخن پروردگار «وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ» چیست؟ گفت: ای فرزند خواهرم! مراد از آن دختر یتیمی است که در دامن سرپرست خویش به سر می‌برد و او به مال و زیبایی این دختر تمایل می‌یابد، ولی می‌خواهد با کمترین مهریه، وی را به نکاح خود درآورد. وقتی با او ازدواج می‌کند، رفتار ناشایست و ستمگرانه‌ای را برمی‌گزیند؛ چراکه می‌داند کسی وجود ندارد که از آن دختر دفاع کند.

۲. وقتی آیه قبل درباره یتیمان و خوردن اموال آنان - که گناه کبیره است - نازل شد، سرپرستان افراد یتیم از اینکه گرفتار چنین گناه بزرگی شوند، به هراس افتادند. برخی از آنها با ده نفر و گاهی با بیش از ده نفر از یتیمان ازدواج کرده بودند؛ درحالی که حقوق آنها را نمی‌پرداختند و با آنها به عدالت رفتار نمی‌کردند. از این‌رو به آنان گفته شد اگر از آن می‌ترسید که نتوانید دادگری را در میان زنان خود رعایت کنید، آنان را رها سازید.

۳. آن افراد در امر سرپرستی یتیمان دچار سختی و فشار شده بودند. از این‌رو به آنها گفته شد: اگر در این زمینه می‌هراسید که مرتکب زنا شوید، با زنانی که برای شما حلال‌اند، ازدواج کنید، ولی هرگز مرتکب امور حرام و نامشروع نشوید.

۱. فی کتاب الاحتجاج للطبرسی عن امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث طویل و فیه یقول علیه السلام لبعض الزنادقة: و اما ظهورک علی تناکر قوله: «وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَأَكْبِرُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» لیس یشبه فی الیتامی نکاح النساء و لا کل النساء یتامی فهو ما قدمت ذکره من اسقاط المناقین من القرآن و بین القول فی الیتامی و بین النکاح النساء من الخطاب و القصص اکثر من ثلث القرآن ... (حویزی، ۱۳۸۲: ۱ / ۴۳۸)

۴. از عکرمه روایت شده است: نزد برخی از مردان چندین زن و دختر یتیم بود. زمانی که مال خود را به زنان انفاق می‌کردند و خود نیازمند می‌شدند، آنگاه از اموال دختران یتیم می‌بخشیدند. از این رو، خداوند فرمود اگر به خاطر این می‌ترسید که در مورد دارایی یتیمان عدالت را رعایت نکنید، در این صورت به چهار همسر بسنده کنید و اگر با وجود چهار همسر نیز این نگرانی وجود دارد، به کمتر از آن بسنده نمایید (سه یا دو یا یک همسر).

به نظر می‌رسد که این قول به واقع نزدیک‌تر است. گویا خداوند متعال یک ملاک کلی در زمینه چند همسری ارائه داده و فرموده است از هر تعداد ازدواج با زنان که مستلزم تجاوز به مال یتیم است، پرهیز نموده و به کمتر از آن بسنده کنید. (رازی، ۱۴۲۲: ۳ / ۴۸۵)

و) تفسیر کشاف

در تفسیر کشاف آمده است: وقتی این آیه درباره یتیمان و خوردن اموال آنان نازل شد، سرپرستان بیمناک شدند که نتوانند درباره حقوق آنان به داد رفتار کنند و این گناه بزرگ دامن‌گیر آنان شود، از این رو از پذیرش سرپرستی آنان تن زدند. برخی چنین گفته‌اند که آنان از زنا پرهیز نمی‌کردند و فقط از پذیرش سرپرستی یتیمان سر باز می‌زدند. به آنان گفتند اگر از ستم کردن به یتیمان بیمناک هستید، باید از ارتکاب زنا بترسید. پس شماری از آن زنان را که برای شما حلال هستند، به زنی بگیرید و به محرمات نزدیک نشوید.

همچنین گفته‌اند: برخی از مردان می‌دیدند که بعضی از دختران یتیم مالی دارند و زیبا هستند. از این رو با آنان ازدواج می‌کردند و به دیگران رغبتی نشان نمی‌دادند؛ تا جایی که گاه چنان می‌شد که یک مرد، ده نفر از چنین یتیمانی را در اختیار داشت. به دلیل ضعف آنان و از آن روی که پشتیبانی نداشتند، او می‌ترسید که در حق آنان ستم کند و نتواند تکالیفی را که نسبت به آنان برعهده دارد، به جای آورد. از این روی به آنان گفته شد: اگر می‌ترسید که نتوانید در حق دختران یتیم به داد رفتار کنید، با زنان دیگری که می‌پسندید، ازدواج کنید. (زمخشری، ۱۴۲۹: ۱ / ۳۵۷)

نتیجه

تناسب میان صدر و ذیل آیه سوم از سوره نساء روشن است؛ زیرا مسلمانان در صدر اسلام که همواره در جنگ با کافران و مشرکان بودند و همچنین سربازان شهید از خود همسران بیوه و فرزندان خردسال و اموالی باقی می‌گذارند. پیامبر ﷺ سرپرستی ایتام و اموال آنان را به افراد

متعهد واگذار می‌کرد. اینان بیم آن داشتند که مبادا تصرف ناروایی در آن اموال بشود و درباره رعایت حال ایتم کوتاه آیند. از این رو یکی از راه‌های چاره‌سازی، ازدواج با همسران شهیدان بود که در آن صورت، اموال بازمانده حالت اشتراک در مصرف پیدا می‌کرد و رضایت صاحبان مال خودبه‌خود جلب می‌گردید.

روایات مربوط به تحریف نقیصه به‌روشنی مردود است؛ به‌ویژه روایاتی که می‌گویند ثلث قرآن حذف شده است؛ زیرا اگر چنین اتفاقی رخ داده بود، اولاً باید شهرت همگانی می‌یافت و دوم آنکه دشمنان اسلام باید آن را دستاویز قرار می‌دادند. چگونه ممکن است چنین اتفاقی افتاده باشد، درحالی‌که مسلمانان در ضبط و حفظ آیات و حروف آن بسیار کوشا بوده‌اند؟!

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۲، صحیفه نور، ج ۱۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۷۸، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، بی‌جا، کمیته تبلیغات و انتشارات.
- جزایری، نعمت‌الله، بی‌تا، منبع الحیاة، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، زن در آینه جلال و جمال، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۸، تسنیم، ج ۱۷، قم، اسراء.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۳۸۲، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، قم، اسماعیلیان.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۲ ق، مفاتیح الغیب، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۲۹ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التناویل، بیروت، دار الکتب العربی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۴ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت، مؤسسه الاعلی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۲۵ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، قم، الحیدریه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۵۴، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۲، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۳ ق، صیانة القرآن من التحریف، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۸، تفسیر نمونه، ج ۳، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۴ ق، اسباب النزول، بیروت، دار الکتب العربی.